ایمنی و محیط زیست

آب مرگبار

در ساحل دریای خزر نسبت به مخاطرات هوشیار باشیم

حمیدعلیزاده(هیجانی)*

در فصل تابستان استان‌های ساحلی دریای خزر به‌ویژه مازندران و گیلان پذیرای مسافرانی هست که بخشی از اوقات فراغت خود را برای شنا یا استراحت در ساحل می‌گذرانند. مخاطرات مهمی مسافران را می‌تواند تهدید کند که در صورت آگاهی از آن می‌توانند از گزند این مخاطرات در امان بمانند. معمولا مسافران در دریای توفانی وارد نمی‌شوند و شنا نمی‌کنند. اما در شرایط عادی که در دریا امواج معمولی مشاهده می‌شود و حتی در شرایطی که ممکن است دریا به ظاهر آرام باشد نیز برخی مخاطرات برای مسافران می‌تواند حادث شود. در اینجا به‌طور مختصر چگونگی شناخت این مخاطرات و پرهیز از آنها توضیح داده می‌شود.

جریان شکافنده

جریان شکافنده از نوع جریان عمود بر ساحل است و منشأ آن موج است. حرکت آب پس از شکست موج به سوی ساحل و سپس بازگشت آن به سوی دریا سبب تشکیل جریان عمود بر ساحل می‌شود. هنگامی که موج در آب کم‌عمق می‌شکند، بخشی از انرژی موج سبب راندن آب به سوی ساحل می‌شود. آبی که به سوی ساحل آمده به دلیل اختلاف ارتفاع بر روی شیب ساحل به دریا باز می‌گردد. اما بازگشت آب به دریا یکنواخت نیست و ممکن است از مسیرهایی که بیشتر شیب کانال است صورت گیرد. جریان‌هایی که بدین گونه به سوی دریا حرکت می‌کنند، به جریان‌های شکافنده (Rip Current) معروف هستند. جریان‌های شکافنده در برخی موارد بسیار پرسرعت و قدرتمند هستند؛ به طوری که حتی شناگران ماهر را به طرف دریا می‌برند. اما این جریان‌ها از ساحل تا عمق حدود پنج متر قدرت بسیار دارند. در اعماق بیشتر به‌سرعت انرژی خود را از دست می‌دهند. اگر در ساحل بر روی پشته ماسه‌ای بایستیم یا جایی که مقداری ارتفاع دارد، بایستیم، می‌توان جریان شکافنده را تشخیص داد. این جریان شبیه بادبزن دستی است که دسته آن در ساحل قرار داشته و پهنه آن به طرف دریا باشد. معمولا با کف و مواد شناور بیشتر دیده می‌شود. بیشترین قدرت جریان در کانال جریان (یا همان دسته بادبزن فرضی) است. با جست‌وجوی کلمه‌های Rip Current در اینترنت، ویدئو و تصاویر مختلفی می‌توانید ببینید تا در شناسایی جریان شکافنده به شما کمک کند. شنای مطمئن در دریا همانند شنا در دریاچه سد یا استخر آب نیست. علاوه‌بر مهارت در شنا باید ویژگی شنا در آب دریا را نیز شناخت. مهم‌ترین نکته دوری‌جستن از جریان‌های شکافنده است. اگر کسی در جریان شکافنده قرار گرفت، نباید بترسد و درعین‌حال اعتماده‌نفس خود را باید حفظ کند. باید بداند کوچه در آب کم‌عمق این جریان بسیار قدرتمند است ولی به‌زودی در آب دریا مستهلک می‌شود. مبارزه با جریان شکافنده بیهوده است و اگر جریان شنا را به سوی دریا می‌برد، هیچ‌گاه در جهت خلاف جریان تلاش نکنید تا دچار خستگی نشوید. بهترین راه، شناکردن به موازات ساحل است؛ زیرا به‌زودی از محدوده جریان خارج می‌شوید و آنگاه می‌توانید به سوی ساحل شنا کنید. البته اگر کسی به توان فیزیکی خود برای بازگشت اطمینان دارد، می‌تواند خود را به همراه جریان رها کند تا جریان در آب دریا مستهلک شود، سپس خود را به حالت مورب به سوی ساحل برساند. البته شنا به موازات ساحل برای برگشت، بهترین راه‌حل است که در دستورالعمل‌های کاردهای ساحلی در بسیاری از کشورهای دنیا به‌کار برده شناخته می‌شود. اگر از ناجی‌های غرق در ساحل دریای خزر سؤال کنید، با اینکه اغلب دانش عمیقی از هیدرودینامیک سواحل ندارند، ولی بسیاری از آنها حضور جریان‌های شکافنده که شناگران را با خود به دریا می‌کشاند به‌خوبی می‌شناسند. علاوه‌بر مواجهه با سواحل گیلان و مازندران مسافران زیادی گرفتار امواج دریا و جریان‌های ناشی از آنها می‌شوند. گرچه ممکن است بسیاری از آنها خارج از محدوده‌های تفریحی (که ناجیان غریق حضور ندارند) دچار سانحه شده باشند، اما آگاهی‌داشتن از چگونگی شنا در سواحل دریا می‌تواند به افرادی که قصد شنا در دریا را دارند کمک کند تا دچار مشکل نشوند.

موج مرده یا موج دورآ

ممکن است در هوای آفتابی با ابری و در دریای آرام بدون وزش باد تند در حال شنا باشید یا در ساحل در حال استراحت باشید. و انتظار خطری از جانب دریا نداشته باشید. اما در دریای خزر و حتی بسیاری از دریاهای دیگر با پدیده‌ای مواجه هستیم که به فارسی موج مرده یا موج دورآ گفته می‌شود. در اصطلاح دریایی به آن Swell می‌گویند. موج دورآ به امواجی گفته می‌شود که از یک ناحیه توفانی که در فاصله‌ای دور از ساحل مورد نظر واقع است، می‌آید. به طور مثال اگر توفانی از جمهوری آذربایجان به سوی ترکمنستان حرکت کند و از ساحل این فاصله وارد دریا شده باشد، در ساحل ایران وزش باد و امواج مرتفع را نمی‌بینیم. اما برخی امواج توفانی ترکیب شده و فاصله زیادی را طی می‌کنند تا به ساحل برسند. در این حالت ممکن در ساحل هست انتظار موج سهمگین را ندارند. از این رو شناگران و حتی آنهایی که در بخش خشکی ساحل هستند، ممکن است دچار حادثه شوند. این پدیده قابل پیش‌بینی کلی در مدل‌های هواشناسی و دریایی است. درعین‌حال شناگران و مسافران نیز باید هوشیار باشند اگر موج مرتفعی به سوی ساحل می‌آید از دریا خارج شوند و حدود ۳۰ متر از مرز آب نیز فاصله بگیرند.

ماسه‌های نرم

ساحل دریا در گیلان و شرق مازندران عمدتا ماسه است. ماسه‌های ساحلی سست هستند و مانفذ آنها دارای آب و هواست. در هنگام توفان یا ورود آب و هوای بیشتر در منافذ، ماسه‌های ساحلی سست‌تر می‌شوند. بنابراین پس از توفان اگر برای شنا وارد دریا شویم و پای خود را روی پشته‌های ماسه‌ای زیرآبی بگذاریم، ممکن است ناگهان مقداری فرو برویم که انتظارش را نداشته‌ایم. از این رو باید نسبت به این پدیده هوشیار باشیم. همچنین ممکن است در ساحل ماه‌های تیر کنار دریا نیز در برخی موارد پدیده فرورفتن در ماسه دیده شود. حتی برای تفریح ساحلی از کندن بیش‌ازحد ماسه باید پرهیز کرد. زیرا ممکن است ریزش کند و خارج‌شدن از آن سخت باشد.

* استاد پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی

ایران روزنامه‌نگار علم می‌خواهد

حضور روزنامه‌نگار علم در رسانه‌های مکتوب و تصویری چه تأثیری بر آگاهی مردم و رفتار مسئولانه مدیران دولتی خواهد داشت؟

مریم‌ملی

اگر مبدأ تحقیق و پژوهش از مراکز علمی و دانشگاه‌ها بدانیم، واضح است که زبان تخصصی دانشمندان و محققان برای توضیح کارشان به افراد دیگر زبانی مناسب نیست. بنابراین جامعه به نوعی میانجی نیاز دارد تا بتواند با مهارت‌های روزنامه‌نگاری، شناخت درست مخاطب و البته تسلط به روش علمی، فعالیت‌های محققانی که پشت درهای بسته آزمایشگاه و پژوهشگاه نشسته‌اند را به مردم توضیح دهد. این مسئولیت از دو جنبه بسیار مهم است، اول اینکه روزنامه‌نگار باید مطالبه‌گر باشد و بتواند برای مخاطبانش توضیح دهد که پژوهشگر و دانشمند مشغول چه کاری است و قرار است به کدام سؤالات بشر، دغدغه‌ها و چالش‌هایش پاسخ دهد یا راهکاری برایش پیدا کند. و دوم اینکه سازوکارهای دولتی که در کار علمی تأثیرگذارند را تحلیل و نقد کند. روزنامه‌نگاری علم در جهان امروزی که اخبار و شایعات و محتواهایی در لباس علم در تعدادشز از همیشه ظاهر می‌شوند، نیازی اساسی و مهم است. اما شورخبانه در چهار پنج سال اخیر روزنامه‌نگاران علمی که جامعه کوچکی هم دارند، روزهای تاریکی را گذرانده‌اند؛ آنها یا رسانه‌هایشان از دست رفته است یا از رسانه بیرون رانده شده‌اند. عوامل زیادی در این موضوع دخیل بوده است که در این مطلب به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم. اما قبل از آن بسیار مهم است بدانیم روزنامه‌نگاری علم چیست، روزنامه‌نگار علم کیست و اصلا حضور روزنامه‌نگاران علم در جامعه مغتنم و مهم است؟

روزنامه‌نگار علم مدح‌نویس دانشمندان نیست

روزنامه‌نگار علم با مروج علم تفاوت دارد. مروج علم تلاش می‌کند تا مفاهیم یک یا چند حوزه به‌ویژه علمی را برای افراد تشریح کند و با ساده‌سازی وفادارانه به اصل موضوع، اهمیت آن علم را در بین مردم جا بیندازد. او می‌تواند برای این کار از رسانه‌های مختلف با کارگاه‌ها و جلسات متنوع استفاده کند و علم را با سرگرمی گره بزند تا مخاطبان بیشتری پیدا کند و اهمیت آن بیشتر روشن شود. اما روزنامه‌نگاران علمی در وهله اول، روزنامه‌نگار هستند. آنها از علم به همان دلایلی گزارش تهیه می‌کنند که روزنامه‌نگاران ورزشی در مورد ورزش گزارش می‌نویسند و روزنامه‌نگاران سیاسی در مورد سیاست. روزنامه‌نگار همیشه به حقیقت وفادار است و تا آنجا که می‌تواند تلاش می‌کند تا به آن نزدیک شود؛ حتی اگر کامی حقیقت این باشد که برخی از فعالیت‌های دانشمندان و محققان غیراخلاقی است یا برای جامعه خطر دارد. دیسوا بلوم، برنده جایزه پولیتزر و مدیر برنامه روزنامه‌نگاری علمی «نایت» در دانشگاه MIT، در یکی از کنفرانس‌های انجمن جهانی روزنامه‌نگاران علم می‌گوید: «ما روزنامه‌نگاران علمی تشویق‌کنندگان علم و دانشمندان نیستیم. بلکه ما روایتگرانی هستیم که داستان علم را با تمام جزئیات، پیچیدگی‌ها و مشکافی‌هایش برای مخاطب روایت می‌کنیم».

مجهزکردن افراد به آگاهی‌های لازم برای تصمیم‌گیری

یکی دیگر از جنبه‌هایی که باعث می‌شود روزنامه‌نگاری علم در کشورهای توسعه‌یافته اهمیت زیادی پیدا کند، این است که بخشی از مالیاتی که مردم به دولت‌هایشان می‌پردازند برای تحقیق و توسعه پروژه‌های علمی به کار می‌رود و محققان برای اینکه بتوانند پروژه‌ای را ادامه دهند، باید بتوانند اعتماد مردم را جلب کنند. بنابراین خبرنگاران علم با نظارت و پرسیدن سؤال سعی می‌کنند نحوه عملکرد مدیران پروژه علمی و پیشرفت کار را به مردم نشان دهند. یکی از اهداف اصلی روزنامه‌نگاری، تجهیز افراد به اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری آگاهانه است. کسانی که به دنبال تضعیف روزنامه‌نگاری‌اند از ناآگاهی شهروندان سود می‌برند. شیوع کرونا به بهترین شکل این موضوع را نشان داد؛ درست زمانی که جان مردم جهان در خطر بود، عده‌ای تلاش می‌کردند با رواج باورهای خرافی و شایعات، محصولات بی‌اعتبار خود را تبلیغ کنند و پولی به جیب بزنند. در چنین وضعیتی خبرنگاران علمی در تلاش بودند با کمک گفت‌وگوهای علمی و ارجاع به مقالات معتبر پزشکی، جدیدترین خبرها درباره روش‌های انتقال ویروس و ویژگی‌های واکسن‌ها را توضیح دهند. درست زمانی‌که برخی از مسئولان و مدیران ردهبالا در کشورها به شبه‌علم متوسل می‌شدند و کووید-۱۹ را دروغی بزرگ می‌خواندند. روزنامه‌نگاران علم از تمام رسانه‌هایی که در اختیار داشتند استفاده می‌کردند تا درباره این همه‌گیری و جزئیاتش اطلاع‌رسانی کنند. روزنامه‌نگاران علمی روزبه‌روز، گاهی اوقات ساعت‌به‌ساعت، مردم را در مورد آنچه برای تصمیم‌گیری در موضوعی که به زندگی یا مرگ مربوط بود، به‌روز می‌کردند. اینکه کدام واکسن کووید-۱۹ را انتخاب کنید، چطور ماسک بزنید و در مکان‌های عمومی چه نکاتی را رعایت کنید، مواردی بود که اطلاع‌رسانی دقیق دربارهشان ضرورت داشت. عموم مردم نیاز داشتند (و هنوز هم نیاز دارند) تصویر بزرگتر را ببینند تا تصمیمات آگاهانه بگیرند. آنها همچنین باید بدانند که پشت پرده چه می‌گذرد، تا زمینه وسیع‌تری را که دانشمندان و متخصصان بهداشت و سیاستمداران و صنایع در آن فعالیت می‌کنند، درک کنند.

روابط استاد و شاگردی نیست

بخش بزرگی از فعالیت‌های روزنامه‌نگار علم گفت‌وگو و پرسشگری از محققان و دانشمندان است. این موضوع ممکن است در ظاهر این‌طور به نظر برسد که روزنامه‌نگار علم قرار است در یک گفت‌وگو تمام آنچه خودش و مردم نمی‌دانند را بپرسد و در رسانه‌اش منتشر کند؛ اما این تفکر شکلی غیراوقعی و کارتونی از کاری است که روزنامه‌نگار علم انجام می‌دهد. پوریا ناظمی، روزنامه‌نگار علم و فارغ‌التحصیل رشته نوآوری‌های دیجیتال در مطالعات رسانه از دانشگاه کونکوردیا شهر مونترال کانادا، که سال‌ها تجربه کار ژورنالیسم را در کارنامه خود دارد، در یکی از مقالات منتشرشده در سایتش درباره این موضوع می‌نویسد: «ممکن است با موقعیتی مواجه شده باشید که فردی به عنوان دانشمند معرفی می‌شود و ممکن است از روی ادب یا پاسخ دهد و احساس کند که مردم به دلیل شغل او احترام ویژه‌ای برایش قائل هستند. افراد ممکن است بر استفاده از عناوینی مانند محقق، یا استاد تأکید کنند یا از آن اجتناب کنند؛ این عناوین در دنیای علم تعاریف خاصی دارند. استاد یا محقق‌بودن تعریف شغلی خاصی دارد. استادبودن به این معنا نیست که کسی بالاتر از یک مدرس دانشگاه است؛ خود این کلمه در فارسی بی‌معنی است و در صورت استفاده، باید مشخص شود که دقیقا منظور از آن چیست. دانشمند، استاد یا محقق‌بودن، ستایش نیست. آنها به مشاغل خاصی اشاره دارد؛ همان‌طورکه در روزنامه‌نگاری، عناوینی مانند نویسنده، دبیر یا سردبیر به نقش‌های خاصی اشاره دارد». او در بخش‌های دیگری از این مقاله می‌نویسد: «بی‌توجهی به این موضوع در تعامل خبرنگاران با بازیگران عرصه علم منجر به سوءتفاهم‌های جدی می‌شود. یک مشکل این است که اگر از این تمایز غافل باشیم. معنای تاریخی «دانشمند» را به یک دانشمند حرفه‌ای منتقل می‌کنیم. هنگام مصاحبه با یک استاد دانشگاه یا فردی متخصص در تجزیه‌وتحلیل تشعشعات سیاه‌چاله، ممکن است فکر کنیم که در مقابل یک «بزرگ خردمند» نشسته‌ایم که باید به آرامی دانش را از او جذب کنیم. علاوه‌براین، سؤالات روزنامه‌نگاری علوم پایه مانند «مبنای ادعای شما چیست؟»، «بودجه تحقیقات خود را از کجا تأمین کردید؟»، «آیا تضاد منافع دارید؟» یا «چرا داده‌های شما به اندازه کافی دقیق نیستند؟» به عنوان بی‌احترامی تلقی می‌شود. باید دقت داشته باشیم که این سؤالات برای به چالش‌کشیدن جایگاه اجتماعی متخصص نیست، بلکه برای اطمینان از صحت اطلاعات گزارش‌شده است». نکته مورد توجه این است که دانشمند را با معنای حکیم دانایی که غرق در علم و دانش است نپندارید و بدانیم او هم انسان است و ممکن است تعصبات، سوگیری‌ها، عقاید و افکار خودش را داشته باشد و اشتباه کند؛ بنابراین باید از او پرسید و نقدش کرد و فرضتی برای بررسی فعالیت‌هایش به مردم داد.

اهداف روزنامه‌نگار علم با تولیدکننده محتوا متفاوت است

وقتی حرفی از روزنامه‌نگاری علم به میان می‌آید، برخی می‌گویند در این زمانه دیگر چه کسی روزنامه می‌خواند؟ واقعیت این است که روزنامه‌نگار علم الزاما قرار نیست برای روزنامه‌ها مطلب بنویسد، او می‌تواند یادکست علمی تولید کند، ویدئوی اینترنتی یا برنامه تلویزیونی بسازد. ویلاک شخصی داشته باشد و در آن بنویسد یا حتی صرفا در شبکه اجتماعی خودش برای انتشار پیامی استفاده کند. ضمن اینکه نحوه فعالیت او ارتباطی به اینکه به طور رسمی در یک رسانه ثابت مشغول به کار است یا به صورت آزاد و مستقل کار می‌کند، ندارد، بلکه شیوه فعالیت او و نزدیک بودنش به معیارهای روزنامه‌نگاری علم است که اهمیت پیدا می‌کند. باید توجه داشت که روزنامه‌نگار علم با تولیدکننده محتوا هم تفاوت دارد. چون او باید قبل از منتشرکردن نتایج کارش، داده‌ها و اطلاعات را به طور دقیق از منابعشان بررسی و ارزیابی کند. او متن یا محتوای مورد نظرش را از فیلترهای زیادی عبور می‌دهد تا بتواند به حقیقت نزدیک شود و هدفش جذب مخاطب، کلیک بیشتر، رشد آمار بازدید و فروش یک محصول خاص نیست. او اتلاش می‌کند با روش‌هایی که در آنها مهارت دارد، اطلاعاتی را که به دستش رسیده را راستی‌آزمایی کند و از صحت و اعتبار آنها برای مخاطبانش اطمینان حاصل کند و سپس آن را نشر دهد. به طور کلی انتفاع از محصولات یا خدماتی خاص که در شرکت یا مؤسسه یا نهادی علمی ارائه می‌شود و تولید هرگونه محتوایی درباره آن بیشتر به فعالیت روابط عمومی نزدیک است و هدف آن انتشار اطلاعات برای عموم مردم است و ممکن است اهدافی مثل فروش بیشتر هم در کنارش قرار بگیرد. اما کار روزنامه‌نگار علم فراتر از این است؛ او باید بتواند تحلیلی از موضوعات علمی و اکتشاف‌ها ارائه دهد.

عکس: راضیه صدرالدین فارس

علم در روزگار امروز مهجور واقع شده است. افرادی که می‌خواهند حرف و ادعای خود را معتبر نشان دهند، از کلمات و اصطلاحات علمی استفاده می‌کنند تا ویترینی با ارزش بسازند و توجه دیگران را جلب کنند؛ اما هیچ تشابهی با روش علمی و مراحل آن ندارند. این اتفاق را در بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی که سال‌های اخیر رایج شده‌اند، می‌بینیم.

سنگ‌های درشت در مسیر روزنامه‌نگاران علم ایرانی

وقتی صحبت از خبرنگاری ورزشی یا خبرنگاری فرهنگی به میان می‌آید، کمتر کسی می‌پرسد چرا لازم است خبرنگاری تخصصی وارد این حوزه‌ها وجود داشته باشد. اما زمانی که عنوان خبرنگاری علم مطرح می‌شود افراد زیادی که می‌توانند صاحبان رسانه‌ها یا افراد دیگر باشند معتقدند این حوزه ترفیعی یا کسرتری یا حتی ضرورت ندارد که به‌طور سرویسی مجزا در رسانه‌ای به آن اختصاص پیدا کند. به طور کلی چالش‌های روزنامه‌نگاری علم در ایران شامل موارد زیادی می‌شود. اما یکی از مهم‌ترین آنها، باورنداشتن به اهمیت و ضرورت روزنامه‌نگاری علم در کشور است. وقتی مدیران رسانه‌ها، چه مکتوب و چه تصویری، چه در قالب برنامه‌های تلویزیونی یا در فضای مجازی به کارکردهای روزنامه‌نگاری علم اعتقاد ندارند، سرمایه و زمانی هم برای این حوزه قائل نمی‌شوند. این موضوع یا به‌وضوح در سال‌های اخیر دیده‌ایم که شمار مجلات چاپی علمی، برنامه‌های تلویزیونی مرتبط با علم و سایت‌های فعال در حوزه خبرهای علمی کم و کمتر شده‌اند و عملا رغبت یا حمایتی هم برای اینکه رسانه‌ها بخش علمی داشته باشند، وجود ندارد. مطلبت دانستی‌ها، دانشمند، برنامه‌های علمی ازنمصدی مثل آسمان شب، موتور جست‌وجو، خرج وصفحات علمی روزنامه جامعه و... به دلیل فشارهای مختلف یا حمایت‌نشدن از سوی مدیران از رسانه‌های رسمی حذف شدند. اگرچه هنوز روزنامه‌نگاران علم و مروج‌های علم تلاش می‌کنند چراغ فعالیت‌هایشان را در زمینه شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌هایی مثل بادکست و ویدئو روشن نگه دارند. اما به نتیجه یا چند مورد از چالش‌هایی که در مسیر روزنامه‌نگاری علم ایران قرار دارد، اشاره می‌کنیم.

نقد جایز نیست، تمجید کنید

متأسفانه تفکردن فعالیت‌های علمی محققان و مسئولان وزارتخانه‌ها یا سازمان‌های مرتبط با علم در ایران به معنای نالایق‌بودن جامعه از پیشرفت در نظر گرفته می‌شود. ترویج این نگاه که هر پروژه یا محصول فناورانه، هر پرتاب ماهواره و هر داروی جدید... نوعی دستاورد ملی است که فقط باید در مدحش گفت و نوشت و هر نقدی جفا به محققان کشور و موجب نالایقی جامعه است، نه‌تنها سودبخش نیست، بلکه این ایمانی برای برگرداندن وضع موجود است. در اصطلاح دریایی به آن Swell می‌گویند. موج دورآ به امواجی گفته می‌شود که از یک ناحیه توفانی که در فاصله‌ای دور از ساحل مورد نظر واقع است، می‌آید. به طور مثال اگر توفانی از جمهوری آذربایجان به سوی ترکمنستان حرکت کند و از ساحل این فاصله وارد دریا شده باشد، در ساحل ایران وزش باد و امواج مرتفع را نمی‌بینیم. اما برخی امواج توفانی ترکیب شده و فاصله زیادی را طی می‌کنند تا به ساحل برسند. در این حالت ممکن در ساحل هست انتظار موج سهمگین را ندارند. از این رو شناگران و حتی آنهایی که در بخش خشکی ساحل هستند، ممکن است دچار حادثه شوند. این پدیده قابل پیش‌بینی کلی در مدل‌های هواشناسی و دریایی است. درعین‌حال شناگران و مسافران نیز باید هوشیار باشند اگر موج مرتفعی به سوی ساحل می‌آید از دریا خارج شوند و حدود ۳۰ متر از مرز آب نیز فاصله بگیرند.

رابطه روزنامه‌نگار علم و محقق، رابطه استاد و شاگردی نیست

علم در روزگار امروز مهجور واقع شده است. افرادی که می‌خواهند حرف و ادعای خود را معتبر نشان دهند، از کلمات و اصطلاحات علمی استفاده می‌کنند تا ویترینی بارارزش بسازند و توجه دیگران را جلب کنند؛ اما هیچ تشابهی با روش علمی و مراحل آن ندارند. این اتفاق را در بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی که سال‌های اخیر رایج شده‌اند، می‌بینیم. رواج گروه‌های عرفانی حلقه که مدعی‌اند با استفاده فیزیک کوانتوم می‌توانند تأثیرات ماورایی بر بدن و ذهن انسان بگذارند، یا انواع طالع‌بینی‌هایی که ظاهرشان را علم نجوم غربه کرده و ادعای شناخت فرکانس‌های کیهانی را دارند که بر زندگی انسان تأثیر دارد، همگی ماحصل برنگ‌نبودن فعالیت روزنامه‌نگاران علم ایران است، کسانی که می‌توانند با استدلال و براساس نتایج پژوهش‌های علمی، بگویند خیر این ادعاها صحت ندارد، باعث ترویج باورهای خرافی، قدرتمندترشدن شیادان و کاسبان شبه‌علم شود. اگر بدنه روزنامه‌نگاری علم در ایران آن حد نحیف نبود و رسانه‌ها هم قدرت و اختیارات کافی را در اختیارش می‌گذاشتند، می‌توانست با پرسشگری دقیق، مصاحبه، گفت‌وگو با متخصصان که در این پروژه‌ها انتفاعی نداشتند و همین‌طور با پیگیری مستمر از روند ادامه پروژه، از اشتباهات این موضوعات پرده‌دراری کند و اعتبار نداشتن آن را علنی کند. خبرهایی که در ادامه آمده است، صرفا بخش کوچکی از اخبار و ادعاهای نادرست رسانه‌ها و برخی از مسئولان در کشور است.

اخترافع دیوری آب‌سوز

در سال ۹۶ یکی از خبرگزاری‌های رسمی کشور خبری منتشر کرد که از اختراع خودروی آب‌سوز توسط یک مخترع ایرانی حکایت داشت. این مخترع حوزه‌ای مثل خودروهای ساخته است که می‌تواند با استفاده از آب و بنزین و به صورت نصف‌نصف حرکت کند. این خبر در اخبار صداوسیمای کشور هم پخش شد و پس از یک سال مخترع جوان از تجاری‌سازی اختراعش تا شش ماه آینده اطلاع داد؛ البته اکنون شش سال گذشته و خبری از خودروی آب‌سوز نیست. نکته درخور توجه درباره این ادعا، سؤالاتی بود که برخی از خبرنگارانی که با فرد مدعی این اختراع گفت‌وگو می‌کردند، از او می‌خواستند توضیح دهد هم‌زمان مجدد چطور بسیاری از اختراعات کشور با فیلترهای غیراوقعی از سوی افراد را بکبرد، بلکه می‌تواند اعتماد از دست‌رفته در تلاش برای برقراری ارتباط را به کشور بازگرداند. امیدواریم دولت جدید با توجه به این نکات، تلاش‌هایی برای بازگرداندن روزنامه‌نگاران علم به رسانه‌ها داشته باشد. فرصتی برای پرورش روزنامه‌نگاران علم تازه‌نفس در مراکز علمی و دانشگاه‌ها در نظر بگیرد و برای شروع فضای مطالبه‌گری و نقد و تحلیل علمی وارتخانه‌هایش را برای تعامل و شفافیت با رسانه آماده کند.

چرا فرکان وضعیت روزنامه‌نگاری علم در ایران هستیم؟

علم در روزگار امروز مهجور واقع شده است. افرادی که می‌خواهند حرف و ادعای خود را معتبر نشان دهند، از کلمات و اصطلاحات علمی استفاده می‌کنند تا ویترینی بارارزش بسازند و توجه دیگران را جلب کنند؛ اما هیچ تشابهی با روش علمی و مراحل آن ندارند. این اتفاق را در بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی که سال‌های اخیر رایج شده‌اند، می‌بینیم. رواج گروه‌های عرفانی حلقه که مدعی‌اند با استفاده فیزیک کوانتوم می‌توانند تأثیرات ماورایی بر بدن و ذهن انسان بگذارند، یا انواع طالع‌بینی‌هایی که ظاهرشان را علم نجوم غربه کرده و ادعای شناخت فرکانس‌های کیهانی را دارند که بر زندگی انسان تأثیر دارد، همگی ماحصل برنگ‌نبودن فعالیت روزنامه‌نگاران علم ایران است، کسانی که می‌توانند با استدلال و براساس نتایج پژوهش‌های علمی، بگویند خیر این ادعاها صحت ندارد، باعث ترویج باورهای خرافی، قدرتمندترشدن شیادان و کاسبان شبه‌علم شود. اگر بدنه روزنامه‌نگاری علم در ایران آن حد نحیف نبود و رسانه‌ها هم قدرت و اختیارات کافی را در اختیارش می‌گذاشتند، می‌توانست با پرسشگری دقیق، مصاحبه، گفت‌وگو با متخصصان که در این پروژه‌ها انتفاعی نداشتند و همین‌طور با پیگیری مستمر از روند ادامه پروژه، از اشتباهات این موضوعات پرده‌دراری کند و اعتبار نداشتن آن را علنی کند. خبرهایی که در ادامه آمده است، صرفا بخش کوچکی از اخبار و ادعاهای نادرست رسانه‌ها و برخی از مسئولان در کشور است.

اخترافع دیوری آب‌سوز

در سال ۹۶ یکی از خبرگزاری‌های رسمی کشور خبری منتشر کرد که از اختراع خودروی آب‌سوز توسط یک مخترع ایرانی حکایت داشت. این مخترع حوزه‌ای مثل خودروهای ساخته است که می‌تواند با استفاده از آب و بنزین و به صورت نصف‌نصف حرکت کند. این خبر در اخبار صداوسیمای کشور هم پخش شد و پس از یک سال مخترع جوان از تجاری‌سازی اختراعش تا شش ماه آینده اطلاع داد؛ البته اکنون شش سال گذشته و خبری از خودروی آب‌سوز نیست. نکته درخور توجه درباره این ادعا، سؤالاتی بود که برخی از خبرنگارانی که با فرد مدعی این اختراع گفت‌وگو می‌کردند، از او می‌خواستند توضیح دهد هم‌زمان مجدد چطور بسیاری از اختراعات کشور با فیلترهای غیراوقعی از سوی افراد را بکبرد، بلکه می‌تواند اعتماد از دست‌رفته در تلاش برای برقراری ارتباط را به کشور بازگرداند. امیدواریم دولت جدید با توجه به این نکات، تلاش‌هایی برای بازگرداندن روزنامه‌نگاران علم به رسانه‌ها داشته باشد. فرصتی برای پرورش روزنامه‌نگاران علم تازه‌نفس در مراکز علمی و دانشگاه‌ها در نظر بگیرد و برای شروع فضای مطالبه‌گری و نقد و تحلیل علمی وارتخانه‌هایش را برای تعامل و شفافیت با رسانه آماده کند.

نتیجه فقدان روزنامه‌نگاران علم در رسانه‌های رسمی کشور

مرور اخباری که در رسانه‌های معتبر کشور منتشر شده‌اند، می‌تواند مصادیق متنوعی از شبه‌علم و اطلاعات نامعتبری را که به عنوان خبر علمی اعلام شده‌اند، در اختیارمان بگذارد. نمونه‌هایی که با تأمل در هریک از آنها و بحث‌هایی که در ادامه‌مان در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی رخ داد، حای خالی روزنامه‌نگار علم را نشان داد. اگر صداوسیما، روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری، روزنامه‌نگار علم می‌داشتند، چنین خطاهای فاحشی را مرتکب نمی‌شدند یا دست‌کم بعد از رخ‌دادن این خطاها بلافاصله توضیحی ارائه می‌دادند و خطای‌شان را اصلاح می‌کردند. بسیاری از خطاهای دیگری که در ادامه می‌خوانید، شاید در نگاه اول تأثیر عمده‌ای بر زندگی افرادی که آن رسانه را دنبال می‌کنند، نداشته باشد، اما در بلندمدت، تکرار و استمرار این اشتباهات می‌تواند اعتماد جامعه به رسانه را از بین ببرد و باعث شود افراد اطلاعات‌شان را از رسانه‌های غیررسمی و بی‌اعتبار دیگری به دست آورند. علم‌ورزی امروز علم در سطح جهانی، باعث ترویج باورهای خرافی، قدرتمندترشدن شیادان و کاسبان شبه‌علم شود. اگر بدنه روزنامه‌نگاری علم در ایران آن حد نحیف نبود و رسانه‌ها هم قدرت و اختیارات کافی را در اختیارش می‌گذاشتند، می‌توانست با پرسشگری دقیق، مصاحبه، گفت‌وگو با متخصصان که در این پروژه‌ها انتفاعی نداشتند و همین‌طور با پیگیری مستمر از روند ادامه پروژه، از اشتباهات این موضوعات پرده‌دراری کند و اعتبار نداشتن آن را علنی کند. خبرهایی که در ادامه آمده است، صرفا بخش کوچکی از اخبار و ادعاهای نادرست رسانه‌ها و برخی از مسئولان در کشور است.

استعمال روغن بنفشه برای جلوگیری از ابتلا به کرونا

عباس تبریزیان، روحانی معروفی که خود را پدر طب اسلامی می‌داند، در سال ۹۸ یکی از کتاب‌های مرجع رسانه پزشکی به نام هاریسون را آتش زد و بنگشی جدید را دروغ و فریبی برای کسب درآمد اعلام کرد. او مدتی بعد و همزمان با همه‌گیری ویروس کرونا، مدعی شد استعمال روغن بنفشه می‌تواند از ابتلا به کرونا جلوگیری کند.

شیرین‌بیان داروی درمان کرونا

توسعه فضای سبز شهری بهداشت و درمان مجلس یازدهم، در سال ۹۹ و دوران همه‌گیری کرونا از افتتاح اولین موزه مرکز تخصصی طب ایرانی ویژه کرونا در کشور خبر داد. او و ادادنداری این مرکز را کاملا خودجوش و «آتش‌به‌اختیار» توصیف کرد و گفت تعلل در به‌کارگیری از طب سنتی ایرانی در درمان بیماران مبتلا به کرونا بی‌توجهی به دستاوردها و ظرفیت عظیم این حوزه، باعث مرگ هموطنان زیادی شده است. فاطمه محمدبیگی، دبیر کمیسیون بهداشت و سلامت مجلس شورای اسلامی، در یکی از جلسات این کمیسیون از لزوم استفاده از طب سنتی و گیاهی در درمان کرونا صحبت کرد و خواستار افزایش ساعت کاری عطاری‌ها برای مبارزه با کرونا شد و گفت: «در کشورهای چین، تایوان و اروپا برخوردهای مقتدرانه در اجرای شیوه‌نامه‌های بهداشتی، استفاده از ظرفیت‌های مردمی و طب سنتی سبب عامل مهم در کنترل همه‌گیری کرونا بود. اما در کشور ما ساعات کاری عطاری‌ها باید افزایش یابد و مطالعات ثابت کرده شیرین‌بیان ضدکووید-۱۹ است. او به منبع ادعایش درباره این مطالعات اشاره نکرد. اما تاکید کرد عطاری‌ها باید مانند داروخانه‌ها با ارائه داروهای گیاهی به مردم خدمت کنند و این موضوع باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

پایان قطعی برق در تابستان

همایون حائری، معاون وزیر نیرو در دولت سیزدهم، ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ در فکت‌وکو با یکی از خبرگزاری‌های رسمی اعلام کرد امسال قطعی برق نخواهیم داشت. سال ۱۴۰۲ همزمان با آغاز بهره‌برداری از نیروگاه سیکل ترکیبی دیوواسه در اندیمشک، رئیس‌جمهور وقت از پایان قطع‌های برق برای خرداد و گفت اضافه‌شدن این نیروگاه به شبکه برق کشور باعث می‌شود شهروندی کشور در تابستان با قطعی برق روبه‌رو نخواهند شد. اینها درحالی است که هم در سال ۱۴۰